



پنج شنبه 28 مرداد 9 رمضان 19 اوت

پس از پیروزی قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، دکتر مصدق علاوه بر نخست وزیر، پست وزارت دفاع را نیز در دست گرفت و زمینه مساعدی فراهم آمد تا بتواند اصلاحات اساسی خود را در زمینه های مختلف آغاز کند...

کودتای 28 مرداد در سال 1332 هجری شمسی

پس از پیروزی قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، دکتر مصدق علاوه بر نخست وزیر، پست وزارت دفاع را نیز در دست گرفت و زمینه مساعدی فراهم آمد تا بتواند اصلاحات اساسی خود را در زمینه های مختلف آغاز کند مردم نیز که در تمامی مراحل نقش عظیمی در پیروزیها داشتند با هدایت روحانیت بعد از شروع مجدد صدارت دکتر مصدق از هیچ کوششی فروگذار نکردند و از وی پشتیبانی کردند. انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی برگزار و آیت الله کاشانی از تهران انتخاب و به ریاست مجلس انتخاب شد. با وجود حمایت مردم و آیت الله کاشانی از دکتر مصدق او درصدد توسعه قدرت و نفوذ خود برآمد و موجب تشدید برخوردهای اختلاف برانگیز شد. در 20 مرداد 1331 لایحه ای را به مجلس فرستاد که به موجب اختیار قانون گذاری را به مدت شش ماه درخواست کرد.

اختیارات شش ماهه در شرف اتمام بود مصدق با وجود داشتن اختیارات و حمایت آیت الله کاشانی ماده واحد تمدید یکساله اختیارات خود را در هیجده دی ماه همان سال با دو فوریت تسلیم مجلس کرد. آیت الله کاشانی که در بیمارستان بستری بود به گروهی از نمایندگان اصناف و کسبه گفتند که مصدق مرد عمل نیست و تأکید مصدق بر گرفتن اختیارات نقض روشن و آشکار قانون اساسی است و نامه ای به مجلس نیز ارسال داشت. مجلس به احترام آیت الله کاشانی تعطیل شد. مصدق از فرصت استفاده کرده و با ارسال نامه ای عدم قبول اختیارات را به مثابه رای عدم اعتماد دانست و از این طریق آیت الله کاشانی و مجلس را در تنگنا قرار داد. آیت الله کاشانی نامه ای دیگر در 30 دی به مصدق نوشت و بر خلاف میل باطنی دو روز بعد از این نامه لایحه مذکور به تصویب رسید.

دکتر مصدق با داشتن اختیارات فراوان هر چه را می خواست به صورت قانون درمی آورد. در حقیقت اصل تفکیک قوا از بین رفته بود. روند حوادث پس از تصویب اختیارات نشان داد که هدف گرفتن اختیارات رفع سریعتر نابسامانیهای مملکت نبوده و عملاً مسئله نفت تا پایان نخست وزیر مصدق به تعویق افتاد و یکی از مهمترین پیامدهای این حوادث بی اعتبار کردن آیت الله کاشانی بود که در اثر به راه انداختن تبلیغات سو جنگ روانی گسترده از سوی مزدوران بیگانه و روزنامه های وابسته به دولت بر علیه کاشانی بروز کرد. در همین مدت مصدق بدون توجه به نقش آیت الله کاشانی در رهبری مردم و حمایت او در به دست گرفتن مجدد پست نخست وزیر به پیاده نمودن شعار جدایی دین از سیاست پرداخت و این همان چیزی بود که استعمار انگلستان و آمریکایی خواستند از طریق مصدق و دوستانش عملی کردند.

روز نهم اسفند ماه 1331 بار دیگر مصدق درصدد اجرای نقشه ای بود تا صحنه را خالی کند او می خواست با رفتن شاه از ایران سبب تحریک بعضی از گروهها شود و بعد خود با یک کودتای ساختگی با وجهه ملی کنار برود (مطابق قولی که هندرسون سفیر آمریکا به او داده بود).

در همین زمان آیت الله کاشانی بعنوان رئیس مجلس برای خنثی شدن این توطئه و برای حفظ مصالح کشور و با خواهش عده ای از سران مبارزه نهضت نامه ای به شاه نوشت و خروج وی از کشور را بدون اجازه مجلس منع کرد.

همزمان با قضیه خروج شاه حادثه دیگری در شرف وقوع بود. سپهبد زاهدی که وزیر کشور کابینه مصدق بود از پست خود کناره گیری کرد و به ظاهر در جناح مخالف مصدق قرار گرفت و به عنوان کاندیدای نخست وزیر معرفی شد و برای طبیعی جلوه گر شدن این امر روز 1331/12/6 حکومت نظامی دولت مصدق زاهدی را توقیف کرد. با هوشیاری آیت الله کاشانی این بار نیز نقشه زیرکانه مصدق اجرا نشد و مصدق نتوانست از زیربار مسئولیت شانه خالی کند یک روز قبل از کودتا آیت الله کاشانی طی نامه ای دلسوزانه و مفصل مصدق را از وقوع کودتا آگاه می سازد و در قسمتی از نامه خود خطاب به مصدق می گوید:

"اگر نقشه شما نیست که مانند سی تیر عقب نشینی کنید و به ظاهر قهرمان بمانید و اگر حدس من صحیح نیست که همان طور که در آخرین ملاقاتم در دوازده شب به شما گفتم و به هندرسون هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیا پسندی می خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد. و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی خواهید کنار بروید این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود که من شما را با وجود همه بدیهای خصوصیاتتان نسبت به خودم از وقوع حتمی یک کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست آگاه کردم که فردا جای هیچ عذر موجهی نباشد."

در پاسخ به این نامه مصدق تنها به نوشتن این جمله اکتفا نمود:

"مرقومه حضرت آقا بوسیله آقای حسن آقا سالمی زیارت شد اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم." والسلام.

مصدق با وجود اینکه از فعالیتهای پشت پرده اطلاعات دقیق و کافی داشت و برای جلوگیری از آن همه نوع ابزار قدرت کافی هم داشت سعی در مبارزه با کودتاچیان نکرد و حتی به درخواست دوستانش که می گفتند خبر کودتا را از رادیو به مردم اعلام کنند و از مردم استمداد نطلبید توجهی نکرد.

سرانجام سرلشگر زاهدی با نقشه شوم کودتا که توسط سازمان سیاسی از خروج شاه از ایران طرح ریزی شده بود موفق شد دولت ملی را از بین ببرد و مصدق فوراً خود را تسلیم زاهدی کرد و در یک دادگاه به سه سال حبس محکوم شد. اما آیت الله کاشانی به مخالفت

با زاهدي ادامه داد و ملت را از ياد نبرد و سرانجام دستگير و زنداني شد و پسرش مصطفي نيز در اين راه به شهادت رسيد.

گشايش نخستين مجلس بررسي و تدوين قانون اساسي در سال 1358 هجري شمسي
نخستين مجلس بررسي و تدوين قانون اساسي جمهوري ايران در سال 1358 هجري شمسي گشايش يافت. لايحه تشكيل اين
مجلس که در اوایل مرداد ماه همان سال يعني 1358 هجري شمسي منتشر شده بود شامل 47 ماده و 8 فصل بود. در اين لايحه
مقرر شده بود که مجلسي متشکل از 73 نماينده به بررسي نهايي قانوني و تصويب آن بر مبناي شرع مقدس اسلام بپردازد.

درگذشت دکتر آذراندامي پزشک، محقق و باکترتي شناس در سال 1363 هجري شمسي
دکتر آذراندامي پزشک، محقق و باکترتي شناس برجسته ايران در سال 1363 هجري شمسي روي درنقاب خاک کشيد. او نخستين بانوي
ايراني است که نامش روي حفره اي در سياره زهره به ثبت رسيده است. دکتر اندامي تحصيلات عالي را در دانشگاه تهران در رشته
پزشکي ادامه داد و پس از مدتي کارو تحقيق در انستيتو پاستور در زمينه باکترتي شناسي و عفونتهاي بيمارستاني به نتايج مهمي دست
يافت. حاصل اين تحقيقات در نشریات معتبر پزشکی چاپ و منتشر شد و توجه بسياري از پزشکان و محققان صاحب نظر را جلب کرد.
دکتر آذراندامي مدتي هم در پاریس تحصيل کرد و بعد از بازگشت به ايران دوره تخصصي آزمایشگاهی باليني را نيز به پايان رساند.
سرانجام دکتر آذراندامي بانوي تلاشگر و پزشک انسان دوست ايراني بعد از عمري تلاش و تحقيق در سال 1363 هجري شمسي به
ديار باقي شتافت اما نامش در تاريخ ايران جاويد است. شايد توجه است که براي بزرگداشت مقام اين بانوي محقق ايراني علاوه
بر برگزاري چندين ويژه با خياباني در شهر رشت به نام دکتر آذراندامي نامگذاري شده است.

آغاز عمليات نامنظم فتح 8 در سال 1366 هجري شمسي
عمليات نامنظم فتح 8 در سال 1366 هجري شمسي با رمزي رسول الله(ص) آغاز شد. عمليات فتح 8 را نيروي زميني سپاه پاسداران
انقلاب اسلامي از قرارگاه رمضان آغاز کرد. هدف از اجراي اين عمليات منهدم کردن تاسيسات نظامي و اقتصادي دشمن و حمايت
از مبارزان عراقي اي بود که در اين عمليات قواي ايران را ياري کردند.